بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

جزوۀ مرقات

گردآورنده این جزوه:

شمس الدین غفاری

و

اسماعیل موسی زهی

سوال: علم برچند معنا اطلاق می‌شود؟

جواب: بر پنج معنی:

۱.حصول صورت چیزی در ذهن؛

۲. آن صورتی که از چیزی در ذهن حاصل شود؛

۳. حاضر بودن نزد درک کننده؛

٤. قبول کردن نفس این صورت را؛

٥. حاصل شدن اضافت بین عالم و معلوم.

سوال: اقسام علم را نام ببرید.

جواب: علم دو قسم دارد:

۱.تصدیق ۲. تصور

سوال: تصور را با مثال تعریف کنید.

جواب: تصور عبارت از درک خالی بدون حکم. مراد از حکم نسبت امری به امر دیگر ایجابا یا سلبا می‌باشد.

سوال: اختلاف حکما و امام رازی را در مورد تعریف تصدیق مرقوم دارید.

جواب: حکما میگویند: تصدیق عبارت از حکمی است که همراه با تصورات ثلاثه باشد و برای وجود تصدیق، تصورات ثلاثه شرط است.

امام رازی: تصدیق عبارت از از مجموعه حکم و تصورات اطراف مانند زید قائم.

سوال: اقسام تصدیق و تصور را نام ببرید.

هرکدام از تصدیق و تصور بر دو قسم است: ۱. بدیهی ۲. نظری

سوال: تصور بدیهی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که بدون فکر و کسب حاصل شود. مانند گرمی و سردی. این را ضروری هم می‌گویند.

سوال: تصور نظری را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که در حاصل شدن او نیاز به فکر و نظر است. مانند جن و ملائکه.

سوال: تصدیق بدیهی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که بدون فکر و کسب حاصل شود. مانند کل از جزء بزرگ‌تر است.

سوال: تصدیق نظری با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که در آن نیاز به فکر و کسب باشد. به عبارت دیگر نیاز به دلیل داشته باشد. مانند عالم حادث است و صانع موجود است.

سوال: نظر را باذکر مثال تعریف کنید.

جواب: نظر عبارت از ترتیب دادن امور معلومی است که منجر به حصول مجهول شود. مانند: هرعالم متغیر است و هرمتغیر حادث است؛ از این قضیه برای ما یک قضیه دیگر به وجود می‌آید و آن اینکه «هرعالم حادث» است.

سوال: عکس مستوی را تعریف کنید.

جواب: عکس مستوی عبارت از قرار دادن جزء اول به جای دوم و قرار دادن جزء دوم به جای جزء اول می‌باشد که البته باید صدق و کیف آن باقی بماند. مانند: «لا شئ من الانسان بحجر» عکس آن می‌شود «لاشئ من الحجر بإنسان».

سوال: عکس نقیض را تعریف کنید.

جواب: عکس نقیض آنست که نقیض جزء اول به جای دومی و نقیض جزء دومی به جای اولی قرار گیرد. مانند: «کل انسان حیوان» عکس آن می‌شود «کلٌ لاحیوان و لاانسان».

سوال: نقیض ضروریۀ مطلقه، دائمه، مشروطۀ عامه و عرفیۀ عامه را بگویید.

جواب: نقیض ضروریۀ مطلقه، ممکنه عامه است. نقیض دائمه، مطلقۀ عامه است. نقیض مشروطۀ عامه، الحینیۀ ممکنه است و نقیض عرفیۀ عامه الحینیۀ مطلقه است.

سوال: چه چیزی برای تناقض میان دو قضیه مخصوصه شرط است، آن‌ها را نام ببرید.

جواب: برای ایجاد تناقض وحدات هشتگانه شرط است:

١.وحدت موضوع

٢. وحدت محمول

٣. وحدت مکان

٤. وحدت زمان

٥. وحدت قوۀ فعل

٦. وحدت شرط

٧. وحدت جزء کل

٨. وحدت اضافه

سوال: الدلالة اللفظية على ثلاثة أنحاء، آن‌ها نام ببرید.

جواب:

١.تضمنی

٢. مطابقی

٣. التزامی.

سوال: دلالت مطابقی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که لفظ دالّ بر تمام آن‌چه که وضع شده دلالت کند؛ مانند دلالت انسان بر تمام حیوان ناطق.

سوال: دلالت تضمنی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که لفظ دالّ بر جزئی از مدلول دلالت کند؛ مانند حیوان.

سوال: دلالت التزامی را باذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که لفظ دالّ بر چیزی خارج از معنای موضوع له دلالت کند؛ مانند صلاحیت علم.

سوال: لازم را باذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که ذهن از معنای موضوع له به طرف او منتقل شود. مانند: لفظ کور بر بینایی و انسان بر قابلیت علم.

سوال: دلالت را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.

جواب: در لغت، به معنای رهنمون ساختن و در اصطلاح، بودن چیزی به گونه‌ای که از علم به آن، علم به چیز دیگر لازم آید.

سوال: اقسام دلالت را نام ببرید.

جواب:

۱.لفظیه

۲. غیرلفظیه

سوال: دلالت لفظیه را تعریف کنید.

جواب: آنست که لفظ دال در لفظ باشد. مثل لفظ زید

سوال: دلالت غیر لفظیه را تعریف کنید.

جواب: آنست که لفظ دال در لفظ نباشد. مثل شیهه کشیدن اسب بر طلب علف

سوال: اقسام دلالت لفظیه را بامثال بیان کنید.

جواب:

۱.دلالت وضعیه: مانند لفظ زید بر نام او؛

۲. دلالت طبیعه: مانند اح اح؛

۳. دلالت عقلیه: مانند صدای دیزی که از پشت دیوار شنده شود؛

سوال: اقسام دلالت غیر لفظیه را بامثال بیان کنید.

جواب:

۱.دلالت وضعیه: مانند دلالت تابلوها بر مدلول آن‌ها؛

۲. دلالت طبیعه: مانند شیهه کشیدن اسب بر طلب علف؛

۳.دلالت عقلیه: مانند دلالت دود بر آتش.

سوال: دلالت لفظیه به چه تعبیر می‌شود؟

جواب: در محاورات یعنی دلالت لفظیه وضعیه با تمام اقسامش و علوم و گفت‌و گوها تعبیر می‌شود.

سوال: علم منطق را تعریف کنید.

جواب: قوانینی که با رعایت آن ذهن از خطا در فکر محفوظ می‌ماند.

سوال: وجه تسمیه منطق را بنویسید.

جواب: علم منطق را منطق نامیده‌اند چون که در نطق ظاهری یعنی تکلم و هم در نطق باطنی یعنی ادراک تاثیر می‌گذارد.

سوال: موضوع علم منطق را بنویسید.

جواب: تصورات و تصدیقات معلومی که ما را به تصورات و تصدیقات مجهول برساند.

سوال: موضوع هرعلم را بنویسید.

جواب: بحثی که از عوارض ذاتی آن علم بحث کند. مانند کبد انسان

سوال: هدف و غایت علم میزان یا همان منطق را بگویید.

جواب: اصابت در فکر و حفظ راه از خطا در نظر.

سوال: وجه تسمیه میزان چیست؟

جواب: میزان ترازویی است برای عقل که وزن می‌شود با آن افکار صحیح و شناخته می‌شود، آنچه که در افکار فاسد است. و این علم را آلی می‌گوید.

سوال: نخستین مدون‌های علم منطق را نام ببرید.

جواب:

۱.ارسطاطالیس به دستور اسکندر رومی؛

۲. فارابی؛

۳. ابوعلی سینا.

سوال: دلیل آن که دلالت تضمنی و التزامی بدون دلالت مطابقت متصور نمی‌شود، چیست؟

جواب: چون که جزء بدون کل متصور نمی‌شود. مانند انسان و ناطق لازم همین طور ملزوم باشد، بعد لازم باشد. به همین خاطر است که تضمنی و التزام بدون مطابقت دیده نمی‌شود.

سوال: لازم بیّن را بامثال تعریف کنید.

جواب: آنست که ذهن از ملزوم به طرف او منتقل می‌شود. مانند هیچکس غیر از او نگفته است.

سوال: دلیل اینکه دلالت مطابقی بدون تضمنی و التزام متصور نمی‌شود، چیست؟

جواب: چون مطابقی یک بسیط است. مانند ذات خدا.

سوال: نسبت های بین دو کلی را نام ببرید.

جواب:

۱.تساوی

۲. تباین

۳. عموم و خصوص مطلق

٤. عموم و خصوص من وجه

سوال: تساوی را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست است که هر یک از دو کلی بر تمام افراد دو کلی دیگر صادق آید. انسان و ناطق.

سوال: تباین را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که هیچ از دو کلی بر تمام افراد کلی دیگر صادق نیاید. مانند انسان و حجر(سنگ)

سوال: عموم و خصوص مطلق را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که کلی بر تمام افراد کلی دیگر صدق کند، و کلی دیگر بر بعضی افراد کلی دیگر صدق کند. مانند انسان و حیوان

سوال: عموم و خصوص من وجه را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که در هر یک از دو صدق به صورت کلی نیست؛ بلکه به صورت جزئی است. مانند حیوان و سفید. معنی جزئی آنست که اخص تحت اعم قرار گیرد. مانند انسان

سوال: کلیات را نام ببرید.

جواب:

۱.جنس

۲. نوع

۳. فصل

٤. خاصه

٥. عام

سوال: جنس را تعریف کنید.

جواب: کلی است که حمل می‌شود بر افراد زیادی که حقیقت شان مختلف است. مانند حیوان وقتی در جواب «ما هو» قرار بگیرد.

سوال: نوع را با مثال تعریف کنید.

جواب: کلی است که حمل میشود بر افراد زیاد که حقیقت شان متفق باشد. یعنی متفق الحقیقه هستند.

مثال: گوسفند که در جواب «ما هو» واقع گردد. این را نوع اضافی نیز گویند.

سوال: فصل را با مثال تعریف کنید و اقسام آن را تعریف کنید.

جواب: کلی است که در جواب چیزی واقع میشود که در جواب«ای شیء» واقع شود.

مثال: اگر سوال شود« أی شیء هو فی ذاته؟» در جواب میگوییم: ناطق.

فصل دو قسم است:

۱.قریب

۲.بعید

سوال: فصل قریب را با مثال تعریف کیند.

جواب: فصل قریب جدا کننده چیز از مشارکات در جنس قریب است. مانند: ناطق.

سوال: فصل بعید را با مثال تعریف کنید.

جواب: جدا کننده چیز از مشارکات در جنس بعید است. مانند: «حساس» که فصل حیوان است.

سوال: عرض خاص را با مثال تعریف کنید.

جواب: کلی است که خارج از حقیقت افراد است و بر افرادی حمل میشود که زیر او یک حقیقت است. مانند ضاحک و کاتب

سوال:عرض عام را تعریف کنید.

جواب: کلی است که از حقیقت افراد خارج باشد و بر افرادی یک حقیقت و بر غیر آن حمل میشود. مانند: ماشی.

سوال: کدام یکی از کلیات برای عرض و کدام برای ذات است؟

جواب: سه تای اول(جنس، نوع و فصل)برای ذات و دوتای آخر(خاص و عام) برای عرض است.

سوال: اقسام عرض را نام ببرید.

جواب: عرض بر دوقسم است:

۱.عرض عام

۲. عرض خاص

و هر کدام بر دوقسم است: ۱. لازم ۲. مفارق.

سوال: لازم را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که جدا شدن لازم از ملزوم ممنوع است. یا از حقیقت شیء جدا ناشدنی است.

مثال: «زوجیت» برای «چهار» لازمی است. مثال دومی مانند: وجود سواد(سیاهی) برای حبشی.

سوال: مفارق را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: در مفارق جدا شدن لازم از ملزوم ممنوع نیست. مانند: کاتب.

سوال: تناقض را با ذکر مقال تعریف کنید.

جواب: تناقض اختلاف بین دو قضیه را با ایجاب و سلب گویند(یعنی یکی ایجابی است و یکی سلبی).

مثال: «زید قائم» در مقابل« زید لیس بقائم»

سوال: مفرد را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که از جزء او دلالت بر جزء از معنا قصد نشود. مانند: دلالت «همزه استفهام» بر معنی آن و یا دلالت «زید» بر نام آن.

سوال: مرکب را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که از جزء او دلالت بر جزء معنا قصد شود. مانند: زید ایستاده است.

سوال: اقسام لفظ «دال» را بنویسید.

جواب: ۱. مفرد ۲. مرکب

سوال: نام های علم را بگویید.

جواب: منطق، میزان و آلی.

سوال: منطق از کدام دلالت بحث میکند و چرا؟.

جواب: از دلالت لفظیه وضعیه؛ زیرا فایده دادن و فایده گرفتن برای غیرش آسان میشود. به خلاف غیر آن.

سوال: اقسام مرکب را نام ببرید.

جواب: ۱. تام ۲. ناقص.

سوال: مرکب تام را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که سکوت بر او صحیح است. مانند: زید قائم

سوال: مرکب ناقص را تعریف کنید.

جواب: آنست که سکوت بر او صحیح نیست.

سوال: اقسام مرکب تام را نام ببرید.

جواب: ۱. خبریه و قضیه ۲. انشاء

سوال: خبریه و قضیه را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: حکایت و خبری را گویند که احتمال صدق و کذب را داشته باشد. مانند: السماء فوقنا - یا - العالم حادث

سوال: اقسام انشاء را نام ببرید.

جواب: ۱. امر ۲. نهی ۳. تمنی ٤. ترجی ٥. استفهام ٦. ندا

سوال: اقسام مرکب ناقص را با مثال بنویسید.

جواب: بر سه قسم است:

۱.اضافی. مانند: غلام زید

۲.توصیفی. مانند: الرجل العالم

۳.تقییدی. مانند: فی الدار

سوال:مفهوم را تعریف کنید و اقسام آن را نام ببرید.

جواب: مفهوم آنچه که در ذهن حاصل شود.

۱کلی ۲. جزئی.

سوال: مفهوم کلی را با ذکر مثال تعریف کیند.

جواب: آنست که بر افراد زیاد صادق می آید و نفس تصور کردن وقوع شرکت در آن ممنوع نیست(مثلا میتوانید در ذیل انسان افراد زیاد را بلامانع تصور کنید). مثال: انسان یا فرس

سوال: مفهوم جزئی را با مثال تعریف کیند.

جواب: تصور کردن صادق آمدنش بر افراد زیاد ممنوع است. مانند: زید، عمر یا این اسب(یعنی اسب مشخصی)

سوال: کلی و جزئی را با تفسیر دیگر تعریف کنید.

جواب: کلی آنست که از لحاظ تصور عقل زیادتی اش را جایز قرار دهد. جزئی بر عکس آنست.

سوال: اقسام کلی را با مثال تعریف کنید.

جواب: چهار قسم است:

۱.وجود افراد در خارج ممنوع است. مانند: لاشیء، لا ممکن و لا وجود.

۲.آنست که وجودش در خارج امکان دارد ولی یافت نمیشود. مانند عنقا، جبل من الیاقوت.

۳.آنست که وجود افراد ممکن باشد ولی از افراد او فقط یک نفر یافت شود. مانند: الشمس

٤.آنست که برای او افراد زیاد یافت میشود و این افراد از دو حال خالی نیست: ۱.یا انتهایی دارند. مانند: کواکب و سیارات ۲. یا انتهایی ندارند. مانند: انسان و فرس

سوال: معرف شیء را تعریف کنید.

جواب: آنست که بر شی حمل میشود تا بتوانیم آن شی را تصور کنیم(یعنی تصور آن شیء را فایده میدهد).

سوال: اقسام معرفی شیء را نام ببرید.

جواب: ۱.حد تام ۲.حدناقص ۳. رسم تام ۳. رسم ناقص

سوال: حد تام را با مثال تعریف کنید؟
جواب: تعریف کردن شئ اگر با جنس قریب و فصل قریب باشد حد تام گویند.
مانند: تعریف انسان با حیوان ناطق.(اگر انسان را بگویند"ماهو" در جواب میگوییم"حیوان ناطق")
سوال :حد ناقص را با مثال تعریف نمایید؟
جواب: تعریف کردن شئ اگر با جنس بعید یا فصل قریب یا تنها با فصل قریب باشد، آن را حد ناقص نامند.
مانند: تعریف انسان با جسم ناطق یا تنها ناطق
سوال: رسم تام را با مثال تعریف نمایید؟
جواب: تعریف کردن شئ اگربا جنس قریب و خاصه باشد رسم تام است .
مانند: تعریف انسان با حیوان ضاحک
سوال:رسم ناقص را با ذکرمثال تعریف نمایید؟
جواب: تعریف کردن شئ با جنس بعید و خاصه یا تنها با خاصه باشد رسم ناقص گویند.
مانند: تعریف جسم ضاحک یا تنها به ضاحک.
سوال: قضیه را تعریف نمایید؟
جواب: قضیه قولی است که احتمال صدق و کذب را دارد.
سوال: اقسام قضیه را نام ببرید؟
جواب: ۱. حملیه ۲. شرطیه
سوال: قضیه حملیه را با ذکرمثال تعریف نمایید؟
جواب: قضیه حملیه آن است که در آن به ثبوت چیزی برای چیز دیگر یا به نفی چیزی از چیز دیگر حکم شود.
مانند: زید ایستاده است یا ایستاده نیست
سوال: قضیه شرطیه را تعریف نمایید؟
جواب: قضیه شرطیه آن است که درآن به ثبوت چیزی به چیز دیگر یا به نفی چیزی از چیز دیگر حکم نش ود.
سوال: اقسام قضیه حملیه را نام ببرید؟
جواب: قضیه حملیه بر دو قسم است:
۱. موجبه
۲. سالبه
سوال: قضیه حملیه موجبه را با مثال تعریف نمایید؟

قضیه حملیه موجبه: آن است که درآن به ثبوت چیزی برای چیز دیگرحکم شود.
مانند: الانسان حیوانٌ
سوال: قضیه حملیه سالبه را با ذکر مثال تعریف نمایید؟
جواب: قضیه حملیه سالبه: آن است که به نفی چیزی برای چیز دیگر حکم نشود.
مانند: انسان اسپ نیست.
سوال: قضیه حملیه با چه چیزهای تشکیل میشود، باذکرمثال بگویید؟
جواب: قضیه حملیه از سه چیزتشکیل می‌شود:

١. محکوم علیه
٢. محکوم به
٣. رابطه

مانند (زیدقائم)
سوال: جزءاول قضیه شرطیه و جزء دوم آن را چه می‌نامند؟
جواب: جزء اول قضیه شرطیه را (مقدم) وجزء دومش را (تالی) می‌نامند.
سوال: قضیه طبعیه را با مثال تعریف نمایید؟
جواب: قضیه طبعیه: آن است که حکم در آن به عین حقیقت افراد باشد.
مانند (الانسان نوع ، و الحیوان جنس)
سوال: قضیه محصوره را با مثال تعریف نمایید؟
جواب: قضیه محصوره: آن است که تعداد افراد در آن مشخص باشد.
مانند(کل انسان حیوان وبعض الحیوان انسان)
سوال: قضیه مهمله را با مثال تعریف نمایید؛
جواب: قضیه مهمله آن است که تعدادافراد در آن مشخص نباشد
مانند(الانسان فی الجنس)
سوال :محصورات را با مثال نام ببرید؛
جواب:

١. موجبه کلیه مانند (هرانسان حیوان است)
٢. موجبه جزئیه مانند(بعضی حیوانات سیاه است)
٣. سالبه کلیه مانند(چیزی اززنگی سفید نیست)
٤. سالبه جزئیه مانند(بعضی از انسان‌ها سیاه اند)

سوال: سور را تعریف نمایید؟
جواب: سور آن چیزی است که با آن کمیت افراد کلیه و بعضیه بیان میشود.
سوال: میزانیین موضوع ومحمول را به چه چیزی تعبیرمی کنند؟
جواب: موضوع رابه (ج)محمول رابه (به)
هدف شان ایجاز و دفع توهم و انحصار است
سوال: قضیه معدوله را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: قضیه معدوله آن است که حرف سلب در آن جزئی از موضوع یا محمول یا هردو قرارگیرد.
مانند(اللاحی جماد اللاحی لیس بعالم)؟
سوال: غیرمعدوله را به با مثال مرقوم دارید؟
جواب:غیرمعدوله آن است که حرف سلب درآن جزئی از موضوع یا محمول یاهردو قرار نگیرد
در موجبه محصله و در سالبه بسیطه نامند
سوال: جوهر را با مثال تعریف نمایید؟
جواب: جوهرآن است که بخاطرهیچ واسطه ای موجود نباشد مانند(اجسام)چون که قائم به نفسه است
سوال: اقسام مفرد متکثرالمعنی را نام ببرید؟
جواب: مفرد متکثرالمعنی بردو قسم است
۱. مشترک
۲. منقول
سوال: مشترک را با مثال تعریف نمایید؟
جواب: مشترک آنست که لفظ ازهمان ابتداء برای هرمعنی بصورت علاحده وضع شده باشد. مانند(العین تارّتاً للذهب)
سوال : منقول را تعریف نمایید؟
جواب: منقول آن است که درمعنی دوم مشهورباشد و در اول متروک باشد
سوال: سه قسم منقول را بنویسید؟
جواب:
۱. منقول عرفی: به اعتبار ناقل عرف عام مانند(دابه)
۲. منقول شرعی: به اعتبار بودن اربابان شرع مانند(الصلاة)
۳. منقول اصطلاحی: به اعتبار بودن عرف خاص و طائفه مخصوص مانند(اسم).
سوال: حقیقت و مجاز را تعریف نمایید؟
جواب: آنست که درمعنی دوم مشهور شده در معنی اول متروک نشده باشد اگردرمعنی اول استعمال شود حقیقت و اگر در معنی دوم استعمال شود مجاز گویند.
سوال :مرادف را با مثال تعریف نمایید؟
جواب :مرادف آن است که الفاظ مختلف و معنی یکی باشد مانند(شیر و ابر)
سوال:مفردی که معنایش مشخص باشد بر چند قسم است نام ببرید؟
جواب:مفردی که معنایش مشخص است بر دو قسم است .
۱- متواطی

۲- مشکک
۱- متواطی آن است که بر تمام افرادش بصورت مساوی دلالت نماید مانند دلالت (انسان برزید وبکر وعمر)
۲- مشکک آن است که برتمام افرادش به صورت مساوی دلالت نمیکند بلکه در بعضی زیاده و در بعضی سخت است، مانند: (سفیدی برف ودندان فیل)یعنی دندان فیل سفیدتراست یا برف.
سوال:چرا مشکک را مشکک گویند؟
جواب: چون بیننده را در بودن متواطی یا مشترک به شک میندازد.
سوال : فعل خاص است یا عام و چرا ؟و کلمه عام است یاعام؟
جواب:فعل عام است و کلمه خاص .
چون که کلماتی که مانند أضرب و نضرب درنزد نحوی‌ها فعل هستند و در نزد منطقی‌ها کلمه نیستند.
سوال: مفرد بر چند قسم است نام ببرید؟
جواب: مفرد بر سه قسم است:
۱- اسم ۲- کلمه ۳- اداة
۱ – اگر بر معنی خود مستقل و به یکی از ازمنه ثلاثه نزدیک باشد کلمه است و اگر بر معنی خود مستقل نباشد اداة است.
۲- اگر معنی او مستقل باشد به مفهومیت؛ یعنی در فهم او نیاز به ضم ضمیمه‌ای نباشد و به یکی از ازمنه ثلاثه نزدیک نباشد اسم است.
سوال:أضرب مفرد است یا مرکب با دلیل بنویسید؟
جواب :اضرب مرکب است چون که جزء لفظ بر جزء معنی دلالت می‌کند و همزه دلالت بر متکلم و ضرب برای معنای حدث است.
سوال : مفرد به تقسیم دیگر بر چند قسم است نام ببرید؟
جواب: مفرد بر تقسیم دیگر بر دو قسم است:
۱- دارای یک معنی باشد.
۲- دارای معنای زیاد.
اقسام مفردی که یک معنی دارد بر دو قسم است:
۱- معنایش مشخص باشد مانند(زید)
۲- معنایش مشخص نباشد برای او افراد زیاد باشد.
سوال : نامهای دیگر مفردی که معنایش مشخص نیست را بگویید؟
جواب :۱- علم ۲- جزء حقیقی
سوال : حمل را در اصطلاح با مثال تعریف کنید؟
جواب : حمل درا صطلاح عبارت است از متحد بودن دو چیز که درمفهوم به اعتبار وجود متغایر باشد مانند(زیدکاتب)
سوال : وصف عنوانی را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: وصف عنوانی آن است که از موضوع به آن تعبیر کرده شود مانند(کل کاتب متحرک الاصابع بالضروره مادام کاتباً)
سوال : مرکب را تعریف نمایید؟
جواب :مرکب قضیه‌ای است که مرکب شده حقیقت آن از ایجاب و سلب باشد اگر جزء اول موجبه باشد آن را موجبه گویند مانند(کل کاتب متحرک الاصابع مادام کاتباً)و اگر سالبه باشد آن را سالبه گویند مانند(بالضرورة لاشیئ من الکاتب بساکن الاصابع مادام کاتباً)
سوال : نوع اضافی را تعریف کنید؟
جواب : نوع اضافی حقیقتی است که گفته می‌شود بر او و بغیرآن جنس در جواب ماهو بین اینها عموم و خصوص من وجه قرار دارد برای صادق آمدن آنها بر انسان.
سوال: اقسام قضیه شرطیه را نام ببرید؟
جواب: قضیه شرطیه بر دو قسم است:
۱- متصله
۲- منفصله
قضیه متصله: آن است که به ثابت شدن نسبتی به فرض بودن نسبت دیگر مانند(ان کان زیدانساناکان حیوانا) یابه نفی نسبتی بر فرض نفی نسبت دیگرمانند(لیس البته اذاکان زیدانساناکان فرسا)
قضیه متصله بردوقسم است :
۱ - لزومیه
۲- اتفاقیه
لزومیه : آن است حکم بخاطر رابطه ای که بین مقدم و تالی است، باشد.
اتفاقی: آن است که حکم بخاطر رابطه باشد مانند(اذاکان الانسان ناطقا فالحمار ناهق.
سوال: علاقه بین منطقی‌ها دو نوع است، آنها را بیان کنید؟
جواب: ۱- هر یکی از علاقه‌ها علت برای دیگری باشد یا هر دوعلت شان چیز دیگری باشد .
۲- یا اینکه بین شان تضایف باشد .
تضایف: آن است که فهمیدن یکی از آن دوتا موقوف بر فهمیدن دیگری باشد مانند(ابوه والبنوة)
سوال : قضیه منفصله را تعریف کنید؟
جواب : قضیه منفصله آن است که در آن به تضاد دو چیز در موجبه حکم بشود و در سالبه نیز تضاد بین دو چیزحکم بشود.
قضیه منفصله برسه قسم است
۱- مانعة الجمع

۲- مانعة الخلو
۳- منفصله حقیقه
مانعه الجمع آن است که حکم به تضاد یا به عدم تضاد در صورت صدق باشد مانند (هذاالشیئ اماشجراوحجر)
مانعه الخلو آن است که حکم به تضاد در کذب فقط باشد مانند (اماان یکون زیدفی البحراولایغرق)
منفصله حقیقیه آن است که در آن به تضاد یا به عدم تضاد بین دونسبت در صدق و کذب همراه باشد مانند (هذا العدد اما زوج او فرد)
سوال: قضیه منفصله به اعتبار اقسام ثلاثه بر چند قسم است نام ببرید؟
جواب: قضیه منفضله به عتبار اقسام ثلاثه بر دو قسم است:
۱- عنادیه
۲- اتفاقیه
(عنادیه آن است که تنافی بین دوجزء ذاتی باشد)
(اتفاقیه آن است که تنافی بین دوجزءاتفاقی باشد)

سوال :اقسام قضیه شرطیه را نام ببرید؟
جواب: ۱- شخصیه
۲- کلیه جزئیه
۳- مهمله
شخصیه آن است که حکم بر مقدار معین بر یک نهادن خاص باشد مانند(ان جئتنی الیوم اکرمتک)
مهمله آن است که مقدارها بصورت کلی و بعضی ترک بشوند مانند(ان کان زیدانساناکان حیوانا)

کلیه جزئیه آن است که حکم بر همه مقدارها باشد مانند(کلماکانت الشمس طالعة کان النهارموجود)
اگر بعضی مقدارها باشد جزئیه است مانند(قدیکون اذاکان الشیئ حیواناکان انسانا)
سوال:اقسام جنس رانام ببرید؛
جواب: ۱سافل
۲ متوسط
۳ عالی
(جنس سافل آن است که پائین ترازاوجنسی نیست وبالاترازاون جنس است)مانند(حیوان)
(جنس متوسط آن است که پایین تروبالاترازآن جنس باشد)مانند(جسم نامی)

(جنس عالی آن است که بالاترازآن جنسی نباشد وپائین ترازآن جنس باشد)مانند(جوهر)واین راجنس الاجناس می نامند
سوال:اجناس عالیه چنداهستن؟
جواب :اجناس عالیه ۱۰تااند یکی ازآن جوهر باقی عرض میابشد
تعریف عرض: عرض آن است که بخاطرواسطه موجودباشد

مقولات عرض: ۱کم ۲کیف۳اضافت۴این۵ملک۶فعل۷انفعال۸متی۹وضع
سوال:اقسام نوع رابیان نمایید؟
جواب:۱عالی ۲متوسط ۳سافل
(نوع عالی آن است که پایین ترازآن نوع باشد)
(نوع متوسط آن است که بالاتروپایین ترازآن نوع باشد)
نوع سافل آن است که پائین ترازآن نوع نباشد وبالاترازآن نوع باشد واین را(نوع الانواع) گویند

نکته:نسبت فعل اگربسوی نوع باشدآن رامقوم گویندچون درحقیقت نوع داخل میشوداگربسوی جنس باشد آن رامقسم گویندچون جنس راتقسیم میکندوبرای آن قسمی حاصل شودمانند(ناطق)

ترتیب اجناس:جوهر،جسم عالی،جسم مطلق،نوع عالی،جسم نامی،نوع متوسط،
حیوان:متوسط جنس
انسان:نوع الانواع

سوال:اقسام عرض لازم را با مثال نام ببرید؟
جواب ۱عرض لازم آن است که از تصور او تصور ملزوم لازم می‌آید مانند(بینایی برای کور)
۲ یا که از تصورلازم و ملزوم جزم به لزوم، لازم آید مانند(زوجیت چهار)

سوال: اقسام عرض مفارق را با مثال بگویید؟
جواب: عرض بردوقسم است:
۱عارض شدنش به ملزوم دوام دارد مانند(حرکت برای فلک)
۲ عارض شدنش به ملزوم دوام ندارد بلکه زائل میشود واین زائل شدن یاباسرعت است مانند(قرمزی)یاباکندی است مانند(جوانی)

اقسام حمل:
۱ باواسطه: باواسطه (فی ،ذو،لام،)مثل (زیدفی الدار)
۲ بدون واسطه

سوال:قضیه خارجیه راباامثال تعریف نمایید؟
موضوع حملیه اگردرخارج موجودباشدوحکم درآن به اعتبارتحقق موضوع وموجودبودن اودرخارج باشدقضیه خارجیه است مانند(الانسان کاتب)

۱سوال: قضیه ذهنیه راباامثال تعریف فرمائید؟
جواب : اگر موجود باشد موضوع در ذهن و حکم در آن به اعتبار خصوصی بوجود آورد ذهن باشد ، ذهنیه است .(مانند ؛ الانسانُ کلّیّ)

سوال ؛ قضیه حقیقیه را بامثال تعریف کنید ؟
جواب ؛ و اگر حکم به اعتبار ثابت شدن او در حقیقت و با صرف نظر از خصوصیت ظرف خارج یا ذهن باشد ، حقیقیه است . (مانند ؛ الاربعة زوجٌ)

سوال ؛ اقسام قضیه موجبه و سالبه را نام ببرید ؟
جواب ؛ بر دو قسم است، ۱ معدوله. ۲ غیر معدوله

سوال ؛ قضیه موجهه راتعریف نماییدواقسام آن رامرقوم دارید؟
جواب:جهتی که درقضیه ذکرمیشودآن راموجهه میگویند،موجهات ۱۵تاهستند۸بسیط۷مرکب

اقسام بسیط ۱ ضروریه مطلقه۲دائمه مطلقه۳مشروطه عامه۴عرفیه عامه۵وقتیه مطلقه۶منتشره مطلقه۷مطلقه عامه۸ممکنه عامه

(تعریفات بسائط)

(۱)ضروریه مطلقه،آن است که حکم بشوددرآن به ضروربودن ثبوت محمول برای موضوع یا سلب ازاو مادامی که موضوع موجود باشد مانند(الانسان حیوان بالضرورة والانسان لیس بحجربالضرورة
(۲)دائمه مطلقه،آن است که حکم بشوددرآن به دوام ثبوت محمول برای موضوع یاسلب ازاو مانند(کل فلک متحرک بالدوام ولاشئی من الفلک بساکن الدوام)

(۳)مشروطه عامه،آن است که حکم بشوددرآن به ضروری بودن ثبوت برای موضوع یانفی ازاو مادامی که ذات موضوع متصف به وصف عنوانی باشدمانند(کل کاتب تحرک الاصابع مادام کاتبا)
(۴)عرفیه عامه آن اس ههت که،حکم بشوددرآن به ضروری بودن ثبوت محمول برای موضوع یاسلب ازاودراوقات معین ازاوقات ذاتمانند(کل قمرمنخسف بالضرورة وقت صیلولة الارض بینه بین الشمس
(۵)منتشره مطلقه ،آن است که حکم بشوددرآن به ضروری بودن ثبوت محمول برای مدضوع یانفی ازاودروقت غیرمعین مانند(کل حیوان متنفس بالضرورة وقتامّا)
(۶)مطلقه عامه،آن است که حکم بشوددرآن به موجودبودن محمول برای موضوع یاسلب ازاودریکی ازازمنه ثلاثه
(۷)ممکنه عامه،آن ایت که حکم بشوددرآن به سلب ضرورت جانب مخالف
سوال:قضایای مرکبه رانامببرید؟
جواب: ۱ مشروطه خاصه۲ عرفیه خاصه۳وجودیه لاضروریه۴وجودیه لادائمه۵وقتیه۶متشره ۷ممکنه خاصه

(تعریفات مرکبه)
(۱)مشروطه خاصه مثل مشروطه عمه است خاصه فقط باقیدلادوام است مانند(دائماکل کاتب متحرک الاصابع مادام کاتبادائما)
(۲)عرفیه خاصه مثل عرفیه عامه است فقط باقیدلادام بحسب الذات
(۳)وجودیه لاضروریه مثل مطلقه عامه است فقط باقیدلاضروریه بحسب الذات
(۴)وجودیه دائمه مثل مطلقه عامه است فقط باقیدلادوام بحسب الذات
(۵)وقتیه مثل وقتیه مطلقه است فقط باقیدلادوام بحسب الذات
(۶) منتشره مثل منتشره مطلقه است فقط باقیدلادام بحسب الذات
(۷) ممکنه خاصه، آن است که حکم بشوددرآن به برداشتن ضرورت مطلقه ازجانب وجودوعدم مانند(بلامکان الخاص کل انسان ضوحک)

سوال:سورموجبه کلیه وموجبه جزئیه چیست؟
جواب: سورموجبه کلیه (کل ولام اسغراق)استوجورموجبه جزئیه(بعض وواحدمن الجسم الجامد)است

سوال:سورسالبه کلیه وسالبه جزئیه چیست؟
جواب: سورسالبه کلیه (لاشیئ ولا واحد)است
وسورسالبه جزئیه (لیس وبعض)است

سوال: سورموجبه کلیه در(متصله ومنفصله)چیست؟
جواب:درمتصله (متی، مهما ،کلما)
ودرمنفصله(دائما)است

سوال: سورسالبه کلیه درمتصله ومنفصله چیست؟
جواب:درهردو(متصله ومنفصله)سورشان(لیس والبته)است

سوال: سورمومبه جزئیه درمتصله منفصله چیست؟
جواب درهردو(متصله ومنفصله)سورشان (قدیکون) است
سوال: سورسالبه جزئیه در متصله ومنفصله چیست؟
جواب: درهردو(متصله ومنفصله)سورشان(قدلایکون)است

《تمت بالخیر》